



«مفسر و کارشناس کشتی» در گفت‌وگو
با «دنیای هوادار» مطرح کرد:

**ماتشاهی ابلاغ و پست و
مقام نیستیم**
صفحه ۷

رسانه مستقل

روزنامه
دنیای هوادار
www.donyayehavadar.ir

دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۰ - قیمت: ۳۰۰۰ تومان ۹۴۷

علی‌رغم افتتاح مجموعه ورزشی کوثر ملک‌شهر؛

**اصفهان فاقد ورزشگاه
مختص بانوان است!**

صفحه ۶

بالاخره «ارز جهانگیری»! بد بود یا...

**لطفا دست به گیرنده‌های خود
نزنید، مشکل از فرستنده است!**

صفحه ۲

وقتی ورزش اختیاری جایگزین ورزش اجباری شد؛

**نمایشی که هرچه هست،
«ورزش» نیست**

صفحه ۲

اندر حکایت «انصراف» مصادره‌شده آقای فیلم‌ساز؛

در «او» سواری خسته می‌تازد...

صفحه ۵



«مسعود کیمیایی» پشت صحنه «تیغ و ابریشم»

عکس: عزیز ساعتی



«دنیای هوادار» یاد و خاطره شهدا بویژه ۱۶ آتش نشان فداکار که ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۵ در حادثه پلاسکو به مقام شامخ شهادت نائل گشتند را گرامی می‌دارد

یادداشت

وقتی ورزش اختیاری جایگزین ورزش اجباری شد؛

نمایشی که هر چه هست،

«ورزش» نیست



دکتر محمدعلی قره
دکترای علوم ورزشی و فلسفه

«ورزش» از بدن آغاز می‌شود. انسان فطرتاً از بدو تولد نیاز به حرکت دارد. سر آغاز این حرکت بلند کردن است. نشستن، ایستادن، راه رفتن، دویدن و پریدن. روش تکامل حرکتی انسان ادامه پیدا نموده و برای «بازی کردن» آماده می‌شود. بازی مملو از مهارت‌های زندگی است که در آن تلاش و رقابت، تجربه پیروزی، شکست و همکاری است و در نهایت سلامتی و نشاط را بدنبال دارد.

پس انسان بعد از اکسیژن، خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و خواب، به یک خوراک چهارم نیز نیازمند است و آن پاسخ به نیاز حرکتی روزمره جسم و روان انسان است. با این عقیده، ما متوجه می‌شویم که می‌توان ورزش را به دو نوع «اختیاری» و «اجباری» تقسیم نمود.

۱. ورزش اختیاری، ورزش قهرمانی است که هرکس علاقمند است و استعداد دارد و امکانات ظهور و بروز این استعداد از قوه به فعل برایش فراهم می‌گردد، می‌تواند فقط برای یک محدوده از عمرش به ورزش قهرمانی بپردازد.

۲. اما ورزش اجباری، ورزش همگانی است، بخاطر اینکه از بدو تولد حضرت آدم(ع)، انسان از صبح تا شب تمام احتیاجات خود را به وسیله فعالیت‌های بدنی‌اش تامین می‌نماید. اما از سال ۱۷۵۰ میلادی یعنی ۲۷۲ سال قبل، با اختراع ماشین ریسندگی در انگلستان توسط ماکو، کم کم فعالیت‌های عضلانی انسان به چرخ‌های ماشین‌ها منتقل گردید و دیگر ضربان قلبش آن قدری که لازم بود بالا نمی‌آمد و دم و بازدم ریه‌ها به مقدار زیاد افزایش پیدا نمی‌کرد. جریان گردش خون آرام شده بود و دیگر نمی‌توانست مواد غذایی متنوع و زیادی که مصرف می‌کند را بسوزاند و در اختیار فعالیت‌های عضلانی‌اش قرار داده و در نتیجه شروع به چاق شدن نمود و در بدنش زندانی گردید و مواد زائد بدنش به نحو مناسبی دفع نمی‌گردید.

لذا مسئله‌ای به نام ورزش همگانی با عنوان ورزش اجباری در زندگی انسان جای گرفت و سبک زندگی مردمی که با فرهنگ ورزش آشنا شدند و سواد ورزش لازم را به وسیله اساتید علوم ورزشی دانشگاه‌ها، مربیان ورزش، پزشکان و رسانه‌های ورزشی آن‌ها ارتقا پیدا نمود و ورزش اجباری در سطح زندگی و برنامه روزمره آن‌ها نهادینه گردید.

آخر کلام این‌که در همه جای دنیا، قانون اساسی ما و تاکید مقام معظم رهبری، بر اولویت ورزش همگانی و اجباری است که از دل آن ورزش قهرمانی و استعدادهای فراوان ورزشی کشف و متولد می‌شود. اما در کشور ما مدیران ورزش راه رسالت خود را منحرف نموده و ورزش اختیاری (قهرمانی) را جایگزین ورزش اجباری (همگانی) نموده‌اند. در نتیجه موفق شده‌اند که به وسیله ورزش مردم ایران را چاق و کم تحرک با پذیرش بیماری‌های گوناگون نمایند.

و این در نهایت تهاجم فرهنگی و از آن بالاتر یک شبیه خون فرهنگی است که اسکلتباز جهانی موفق شده، مسلمانان بالاخص مردم کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس را در بدنشان زندانی نمایند. اگر می‌خواهید به متن فوق اعتقاد پیدا نموده و آن را عملاً تجربه نمایید، کافی است مدتی مسابقات را از ورزش ایران حذف کنید و ببینید، آیا ایران ورزش دارد یا همه‌ی آن «نمایش» است...

سرمقاله

بالاخره «ارز جهانگیری» بد بود یا...

لطفا دست به گیرنده‌های خود نزنید، مشکل از فرستنده است!

اتصال کرده، توصیه اکید داریم اصلاً به گیرنده‌های خودتان دست نزنید، چرا که جداً اشکال از فرستنده است. بنده هم مثل خودتان همین حال را دارم با این تفاوت که بارها این مچل شدن‌های دردآور را تجربه کرده‌ام و دیگر برایم تازگی ندارد. شما هم به زودی زود عادت می‌کنید و دیگر این حال عجیب ناخوشی سابق را نخواهید داشت.

بله! باید پذیرفت که حتی مسئولین هم مثل برخی از ما مردم عادی می‌توانند چند بگویند یا کلاه بردار باشند یا دیگران را به سخره بگیرند و... خلاصه همین‌هاست که نشان می‌دهد ما چه مسئولین مردمی ای داریم. مسئولینی که تا دیروز دولت پیشین را بخاطر کردن یا نکردن فلان کار، زیر ضرب گرفته بودند و قرار بود به محض کنار زدن آن‌ها تغییراتی بنیادین در آن رویه‌ها ایجاد کنند، حالا خودشان همان کارها را تکرار و همان رویه‌ها را دنبال می‌کنند.

باور کنید ابدأ قصد دفاع از دولت پیشین را ندارم و به شدت باور دارم که دولت پیشین بخصوص در دور دوم یک «فاجعه» کامل بود که ضربات جبران‌ناپذیر امنیتی، اقتصادی و اجتماعی به ملت و حاکمیت ملی زد و حتی باید عناصری از ساکله آن ساختار مورد تعقیب و توبیخ قضائی نیز قرار گیرند، اما وقتی می‌بینم مخالفان آن دولت با آن همه شکوه و شکایت و ادعا و مدعا، راهکارهایی بهتر از آنچه قبلی‌ها کردند در میان نیفکنده‌اند، آیا حق ندارم که ناامید شوم؟

اگر ارز جهانگیری! به قول این دوستان، «رانت‌زا» و «تورمز» بوده و سودش در جیب عده‌ای رانت‌خوار رفته، الان چه تغییری کرده که حذف آن پوست موز زیر پای دولت است؟ یعنی الان دیگر رانت‌زا و تورمز نیست و سودش در جیب عده‌ای رانت‌خوار نمی‌رود؟ آیا... اصلاً ولش کنید، فقط دست به گیرنده‌های خود نزنید همین.



همان ارزی که حضرات نماینده، متفق القول بر رانت‌زایی و آسیب‌زایی فراوان آن در اقتصاد کشور فریاد و فغان سر می‌دادند و آن‌را یکی از مفزهای تباهی پول‌های خزانه ملی معرفی می‌کردند که باعث شده بود، سود آن در جیب عده‌ای نورچشمی دولت پیشین رود و دودش در چشم آحاد ملت! و دقیقاً به همین دلیل و برای اینکه به ملت یادآوری کنند چه کسی باعث این سیه روزی تورمی شده، نام ارز ترجیحی را به طعنه «ارز جهانگیری» می‌گفتند (ظاهراً این طرح به پیشنهاد معاون اول ریاست جمهور پیشین جناب جهانگیری اجرا شده بود) و خلاصه بخاطر این طرح چه شماتت‌ها که به دولت پیشین نکردند.

اما حالا که عزیزان شاکتی از طرح بدنام! «ارز جهانگیری»، خود وارد گود شده‌اند و بر کرسی مجلس نشسته‌اند، در یک چرخش ابرقهرمانانه حذف ارز ترجیحی در بودجه سال بعد را «پوست موز» زیر پای دولت مستقر می‌دانند که حذف آن باعث تورم افسار گسیخته می‌شود! خدا و کیلی اگر تصویر دنیا جلوی چشمانتان تیره و تار شده و سرتان گیج رفته و احساس می‌کنید چیزی در مغزتان



مهدی تیموری
مدیرمسئول

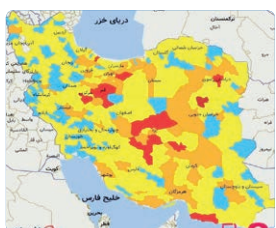
مدتی است که، مجلس مدعی انقلابی‌گری! کارهای عجیبی می‌کند و به عبارتی نعل وارو می‌زند. نمایندگان که قبل از رای آوردن، به زمین و زمان و هر آنچه که مسئولین و نمایندگان پیشین کرده بودند، معترض بودند و فریاد می‌کشیدند که در این رویه‌ها تغییر ایجاد می‌کنند، اما به محض جلوس بر کرسی نمایندگی، همان رویه‌ای را پیش گرفته‌اند که پیشینشان شان گرفته بودند و درب را بر همان پاشنه می‌چرخاندند که در گذشته هم می‌چرخید. یادمان نرفته که برای طرح شفافیت آراء، چه سروصداها و فریادها که راه‌نینداختند و قرار بود به محض ورود به مجلس شورای اسلامی، خیلی فوری و انقلابی آنچه پیشینیان در تصویبش قصور کرده بودند را به فوریت تصویب کنند و آرای خود را پشت شیشه‌ای شفاف، در معرض دید عموم ملت بگذارند. اما وقتی گرمای صندلی‌های مجلس، به دل و جان این نمایندگان محترم نشست، به ناگاه فهمیدند که نه تنها این طرح یک اولویت ملی نیست! بلکه حتی می‌تواند باعث معذوراتی برای نمایندگان ملت شود که به سود ملت هم نخواهد بود!

اگر فکر می‌کنید معجزه جلوس بر کرسی‌های مجلس به همینجا ختم می‌شود اشتباه کرده‌اید، چرا که جدیدترین اعجاز گرمای صندلی‌های نرم مجلس در باب ارز ترجیحی یا همان «ارز جهانگیری» خودمان اتفاق افتاده است.

بله! باید پذیرفت که حتی مسئولین هم مثل برخی از ما مردم عادی می‌توانند چند بگویند یا کلاه بردار باشند یا دیگران را به سخره بگیرند و... خلاصه همین‌هاست که نشان می‌دهد ما چه مسئولین مردمی ای داریم. مسئولینی که تا دیروز دولت پیشین را بخاطر کردن یا نکردن فلان کار، زیر ضرب گرفته بودند و قرار بود به محض کنار زدن آن‌ها تغییراتی بنیادین در آن رویه‌ها ایجاد کنند، حالا خودشان همان کارها را تکرار و همان رویه‌ها را دنبال می‌کنند.

بهداشت و سلامت

افزایش دوباره شمار شهرهای قرمز کرونایی



«وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» اعلام کرد: بنابر اعلام آخرین وضعیت رنگ بندی کرونایی شهرهای کشور و با افزایش شمار شهرهای قرمز، اکنون ۱۵ شهر در وضعیت قرمز، ۶۱ شهر نارنجی، ۲۷۴ شهر زرد و ۹۸ شهر در وضعیت آبی قرار دارند.

بر اساس رنگبندی منتشر شده در یازدهم بهمن‌ماه، شهرهای دماوند و فیروزکوه (تهران)، تربت حیدریه (خراسان رضوی)، زرنج (کرمان)، رامسر (مازندران)، اراک (مرکزی)، جاسک (هرمزگان) و میبد (یزد) در وضعیت قرمز قرار گرفتند.

بنابر اعلام کانال تلگرامی وزارت بهداشت، همچنین شهرستان‌های خوی (آذربایجان غربی)، بیرجند، طیس (خراسان جنوبی)، بردسکن، تایباد، سبزوار، نیشابور (خراسان رضوی)، دامغان، گرمسار (سمنان)، بوئین زهرا، قزوین (قزوین)، الیگودرز (لرستان)، آمل، بابل، بهشهر، جویبار، ساری، نکا (مازندران)، دلپجان، محلات (مرکزی)، حاجی آباد، رودان، میناب (هرمزگان)، شهرکرد (چهارمحال و بختیاری)، کامیاران (کردستان)، صحنه (کرمانشاه)، رودبار (گیلان) در وضعیت نارنجی قرار گرفتند.

جامعه

شرط مجلس برای فروش خدمت سربازی در سال آینده اعلام شد



«رحیم زارع» -سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی- در خصوص مصوبه این کمیسیون برای خرید سربازی گفت: باید براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی اختیارات فرماندهی معظم کل قوا رعایت شود. با نیروهای مسلح در این زمینه هیچ مشورتی صورت نگرفته است و تنها همکاران ما در کمیسیون تلفیق پیشنهادی را مطرح کردند.

وی افزود: در گذشته که رای گیری صورت گرفت این موضوع رای نیاورد. در رای گیری مجددی که برای مشمولین داخل صورت گرفت، مصوب شد که شرط تاهل با اولویت افراد بالای ۳۵ سال برای خرید سربازی در نظر گرفته شود. همچنین برای مدارک کاردانی و کمتر ۲۵۰ میلیون تومان، کارشناسی و کارشناسی ارشد ۴۰۰ میلیون تومان و دکتری عمومی، تخصصی تمامی رشته‌ها ۶۰۰ میلیون تومان تعیین شد. این عضو کمیسیون تلفیق تاکید کرد: حتماً باید نظر نیروهای مسلح در این خصوص گرفته شود. صحن علنی مجلس آن را تصویب و سپس شورای نگهبان تایید کند تا وارد قانون شود.



دبالمگ

گریزی در خاکریزِ خاطرات؛

روایت محاصره «حاج قاسم» در منطقه سبز بغداد



رضا شاعری
نویسنده

کربلای پنج مدیون این آدم است

یکی از عزیزان و زمندگان لشکر که در سال‌های دفاع مقدس بسیار شجاع و دلیر بود پس از جنگ از مجموعه جدا شد و به خاطر فشارهای موج انفجار آسیب‌هایی دیده بود. بدجور معتاد شده بود. حاج قاسم بیش از پنج بار او را ترک داد. آن هم در موقعیتی که شهید سلیمانی در نیرو قدس فرمانده بود و سفرهای خارجی می‌رفت. می‌خواهم بگویم این نیرو به لحاظ سازمانی ارتباط با مجموعه نداشت، دوم اینکه حاجی می‌گفت این نیرو در یکی از عملیات‌های مهم دفاع مقدس برای کشور و در لشکر ما جان‌فشانی کرده است. آن عملیات مدیون این آدم است، حاجی دائم از من پیگیری بود که برای ترک دانش چه باید کنم؟ پنج بار او را ترک داد. هر بار می‌رفت سراغ اعتیاد دوباره ترکش می‌داد. حاجی رهاش نمی‌کرد. می‌گفت: «این مرد دورانی برای ما بزرگ‌ترین کارها را انجام داده باید کمکش کنیم.» آن برادرمان هم بسیار انسان شریفی بود، به خاطر عوارض جنگ سراغ این مسائل رفت.

شهید سلیمانی می‌گفت فلانی خجالت می‌کشد برای مسئله ترک اعتیاد شما پیگیری کنی، به من بگو کجا ببرم او را، من خودم پیگیری می‌کنم. من هم می‌گفتم در فلان نقطه شهر، فلان دکتر، کلینیک ترک اعتیاد دارد و کارش خوب است. خودشان و یکی از دوستان دیگر که رابط حاجی بود کارهایش را پیگیری می‌کرد.

شهید سلیمانی به شکل عجیبی از آدم‌هایی که در دوره‌ای از زندگی‌شان با رشادت‌های شان برای انقلاب و دفاع مقدس کاری کرده بودند، حمایت می‌کرد. البته گاهی از این حمایت‌ها خودش آسیب می‌دید، گاهی ما می‌شنیدیم که برخی از دوستان می‌گفتند چرا حاج قاسم از آن آقا حمایت می‌کند و معترض بودند، اینکه چند بار او را ترک داده و باز هم کار اشتباهش را رها نمی‌کند. چرا او را رها نمی‌کند.

تکیه‌گاهی برای نیروها

حاجی خیلی مرد و قابل اتکا بود. برخی از این خاطرات گفتنی نیست. گاهی به برخی از دوستان درجه‌شان را بخاطر مسائل تحصیلی نمی‌دادند، خُب آن اشخاص در هشت سال دفاع مقدس در لبه جلویی میدان نبرد در حال رزم بوده‌اند. حاجی اصرار داشت که درجه بالاتری برای‌شان بگیرد. اما در کانال‌های ستادی با اعطای درجه موافقت نمی‌کردند. گاهی با ساعت‌ها مذاکره و تضمین و تعهد، موافقت دریافت درجه بالاتر را برای نیروهایش می‌گرفت.

من کوهنورد حرفه‌ای هستم!

یک‌بار حاجی گفت می‌آیی برویم کوه پیمایی؟ خُب من هم می‌دانستم که او پاهای قوی و تنومندی دارد، واقعا وزیده بود. به شوخی گفتم که من کوهنورد حرفه‌ای هستم. شما با ما نمی‌کنی کوهنوردی کنی. گفت خُب حالا برویم ببینیم چه می‌شود. آمد دنبالم و به کوه‌های دارآباد رفتیم. با اینکه خیلی خودم را ورزشکار و فعال نشان داده بودم بیشتر از نیم ساعت دوام نیاوردم. نیم ساعتی از کوه بالا رفتم اما یک دفعه از در، پاهایم سست شد و روی زمین افتادم. حاجی شوخی کرد و گفت: «قهرمان، ژست می‌گیری» و از این قبیل مزاح‌ها، خلاصه رفت نوک کوه و برگشت. من دو سه روزی برای در بدن توی خانه افتاده بودم. برای احوالپرسی با من تماس می‌گرفت و دوباره می‌گفت: «قهرمان هنوز افتادی؟ نمی‌خواهی راه بیفتی؟»

محب برادر بودیم

می‌خواهم بگویم این مرام حاج قاسم بسیار متفاوت بود، باور داشتیم مثل برادر ما را دوست می‌دارد. در بین رفیق‌های‌مان این مشهور بود، هر شخصی تصور می‌کرد که حاج قاسم او را از

دیگری بیشتر دوست می‌دارد، یعنی من تصور می‌کردم من را بیشتر از بقیه دوست می‌دارد. از بس توجه و رسیدگی داشت و دوست دیگر فکر می‌کرد او محب برادر است. چند سالی در یکی از مراکز درمانی مسئولیتی داشتم، شهید سلیمانی هر دو سه باری که به آن شهری که ما در آن سکونت داشتیم، سفر می‌کرد، حتما یک بار به منزل ما می‌آمد و به خانواده من سر می‌زد. از درس بچه‌های ما می‌پرسید، از نمره و ویژگی مدرسه‌ای که دخترم در آن درس می‌خواند، سوال می‌کرد. در جزئیات کارها با دغدغه‌مندی ورود می‌کرد، با همه رفقاییش همین شکلی بود.

اگر خوب نمی‌شود، او را عوض کنیم!

یک وقتی در بیمارستانی کار می‌کردم با ذهنیتی که از حاج قاسم داشتم، تصور می‌کردم که همه مدیران و فرماندهان همین‌جور عاطفی هستند. یکی از مسئولین، معاونش در منطقه ما تصادف کرده بود، آن معاون را برای درمان به بیمارستان ما آوردند. با ذهنیتی که از روحیات حاج قاسم داشتم، با رئیس این بیمار تماس گرفتم تا گزارشی از وضعیت درمان و بیماری‌اش بدهم. حاج قاسم در این وضعیت‌ها اگر می‌شنید که یکی از معاونین‌اش تصادف کرده طاقت شنیدن نداشت، به پشت می‌افتاد.

من با همین ذهنیت با آن مسئول بالادستی تماس گرفتم. حالا این بنده خدا از چند ناحیه به شدت بدنش از جمله مچ پا و لگن و... دچار شکستگی شدید شده بود. به آن مسئول عرض کردم، فلان معاون شما در بیمارستان‌مان بستری شده، مختصر تصادفی کرده، کمی مچ پایش شکسته، آقای مسئول اصرار کرد و پرسید مشکلی دیگری هم دارد؟ من هم جرات نمی‌کردم بگویم که شکستگی‌های معاونش زیاد است و مرحله به مرحله در خصوص آسیب‌های جسمانی‌اش توضیح دادم. در نهایت آن مسئول جمله ای به من گفت، آن وقت تازه فهمیدم حاج قاسم چه قدر قیمتی است. آقای مسئول پس از توضیحات من گفت: «بین آقای دکتر! اگر این آقا به این زودی‌ها خوب نمی‌شود، او را عوض کنیم یکی را به جایش منصوب کنیم. من بعد از شنیدن این جمله می‌خواستم توی سرم بزنم. با خودم گفتم ببین با چه حاج قاسمی کار می‌کردی. حالا مرام این آقا را ببین. من هم رک به آن آقای مسئول عین داستان و ذهنیتم را بیان کردم. فکر می‌کردم مثل حاج قاسم سلیمانی فرمانده اسبق‌ام هستی، حقیقتا جرات نمی‌کردم همان دفعه اول به شما ماجرای تصادف را بگویم. معاون شما در تصادف دچار چنین آسیبی جدی ای شده است. معاون شما له شده، شما به دنبال جایگزین برای او می‌گردی؟ اول برای عیادتش به بیمارستان نمی‌آیی؟ دقیقا عکس رفتارهای حاج قاسم را در آن روز دیدم. من شخصا وقتی حاج قاسم را شناختم که با افراد دیگر کار کردم. تازه فهمیدم، چقدر حاج قاسم با بقیه فرق داشت. تفاوت از زمین تا آسمان بود. هنوز باور نمی‌کنم حاج قاسم اینطور از میان مان رفته باشد، حاجی خیلی مرد بود.

نه مسئول بود و نه فرمانده!

یک روز مریضی سرطانی به بیمارستان آوردند، دیدم حاج قاسم هر روز سه بار صبح و ظهر و شب به او سر می‌زد. فاصله بیمارستان ما تا دفتر حاج قاسم زیاد بود، گفتم حاجی من بیماری ندارم که شما روزی یک بار بیشتر به او سر بزنید. خُب من اغلب فرماندهان



حشدالشعبی را می‌شناختم، می‌گفتم این بنده خدا مسئول هم نیست و از فرماندهان رده پایین حشد الشعبی است. اوایل طفره می‌رفت، تا اینکه یک روز برای من، داستان و دلیل این همه توجه اش به آن رزمنده حشدالشعبی را گفت. داستان را حاجی اینگونه روایت کرد: «من در منطقه سبز عراق در محاصره آمریکایی‌ها افتادم. این رزمنده عراقی در تاریکی شب مرا با قالیق از دجله عبور داد. آن هم در موقعیتی که آمریکایی‌ها به طور دائم تیراندازی می‌کردند. من خیلی او را نمی‌شناختم ولی او این کار را در حق من انجام داده است. من از آن روز به طور مستمر با او ارتباط داشتم، تا اینکه متوجه شدم او مریض شده است. آقای دکتر می‌گوید با اینکه رفاقت قدیمی نداشتند ولی حاجی خودش را مدیون او می‌دانست. در ادامه گفت: خُب حالا فکر می‌کنید حاج قاسمی که خودش را مدیون می‌دانست چه کاری برای او می‌کرد! وقتی حاج قاسم به بیمارستان می‌آمد خودم را در کنار مریض می‌رساندم، حاجی با دست خودش پرتقال آب می‌گرفت به این رزمنده ۵۵ ساله عراقی می‌داد. چایی در نعلبکی می‌ریخت به او می‌خوراند. نان و پنیر لقمه می‌گرفت و به دهان این مرد عراقی می‌گذاشت. رفتارهایی این مرد انجام می‌داد، من در عمرم ندیدم. برخی شاید یک لقمه ای را تعارف کنند، اما وقتی منزل حاج قاسم می‌رفتم، نمی‌گذاشت حتی میوه پوست بگیرم، این کارها را برای همه بچه‌هایی که به منزلش می‌رفتند هم انجام می‌داد. یک وقت‌هایی حتی پَر پرتقال را هم اجازه نمی‌داد از دستش بگیریم، می‌گفت دهنتم را باز کن، و خودش میوه را در دهانم می‌گذاشت. بالاترین مقام معرفتی و مرامی که در زندگی‌ام دیده‌ام، به نظر من حاج قاسم صد برابر از او بالاتر بود. بی شک در دریایی غرق بودیم، که ناگهان بیرون آمدیم و خشک مان زد.

بدترین لحظات سید حسن نصرالله در جنگ ۳۳

یک بار در مسیر پروازی ایران، از کشوری به تهران می‌آمدیم. سر پاسپورت دچار مشکل شدیم، شهید سلیمانی که به دنبال‌مان آمده بود، حاجی چندباری برای اشتهاهی که رخ داده بود از خانواده من عذرخواهی کرد. این افتادگی حاج قاسم بود. یا حتی حتی فراموش نمی‌کنم که سید حسن نصرالله می‌گفت بدترین لحظاتم در جنگ ۳۳ روز آن چند ساعتی بود که حاج قاسم برای کسب تکلیف و ارائه گزارش به محضر حضرت آقا رفته بودند. لحظه به لحظه منتظر بندم تا به لبنان برگردد. شما ببینید این شهید عزیز و ای شخصیت بزرگ چه قوت قلبی برای آدم‌ها بوده...

اگر دوست دارد: خودش باید تصمیم بگیرد

در یکی از کشورها دوست پزشکی داشتیم که از برادران اهل سنت بود، گاهی با هم بحث‌های شیعه و سنی می‌کردیم، بحث داغی هم نبود و بیشتر رفیق صمیمی بودیم. بحث اعتقادی‌مان جدای از رفاقت‌مان است. در یکی از این جلسات، یک مرتبه به من گفت می‌خواهم شیعه شوم. من حسابی متحیر شدم. گفتم من تاکنون دنبال این بحث‌ها نبودم، دوستی دارم که تجربه‌اش در این مسائل خوب است، اجازه دهید از او بپرسم، حاجی را در همان شهر دیدم و به او گفتم: دوست پزشکی و با سوادی دارم که به من گفته است می‌خواهم شیعه شوم، من چه باید بگویم؟ حاج قاسم بلافاصله و با تاکید گفت: به هیچ وجه. شدیداً رد کرد و گفت: برخی می‌خواهند این را القا کنند که ایران دنبال این مسئله اعتقادی در منطقه است. در حالی که اینچنین نیست، شما به هیچ وجه تایید نکنید، این یک مسئله شخصی است، اگر دوست می‌دارد خودش باید تصمیم بگیرد. این هم ایجاد سیاسی حاج قاسم بود. می‌گفت بسیاری از همین برادران اهل سنت خودشان مردانه در مقابل داعشی‌ها ایستاده‌اند و مبارزه کرده‌اند.

اسم «مصاحبه‌شونده» بنا به ملاحظات امنیتی حذف شده است.



اسکن کنید



عضو شورای اسلامی شهر کرج:
فردی در دستگاه امنیتی به خودش
اجازه می‌دهد، برای شهر تصمیم بگیرد!

استان‌ها

رهبری

«رهبر معظم انقلاب اسلامی» بیان کردند:

مردم از کیفیت خودرو ناراضی‌اند؛ درست می‌گویند و حق با مردم است

مسئله بدهی است زیرا نتیجه همه حمایت‌های دولتی، بانکی و جلوگیری از رقابت‌های خارجی، عملاً منجر به بالا رفتن قیمت شده است.

ایشان با ابراز گلایه از برخی تولیدکنندگان داخلی لوازم خانگی گفتند: با وجود حمایت‌هایی که از این تولیدکنندگان شد اما گفته می‌شود برخی محصولات آنها تا دو برابر افزایش قیمت داشته که نباید اینگونه باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی دیگر از موضوعات مهم در بخش تولید را حمایت از صنایع اشتغال‌آفرین برشمردند و افزودند: باید در کنار حمایت از صنایع اصلی و مادر، از صنایع پایین‌دستی و اشتغال‌آفرین نیز حمایت‌های دولتی و بانکی انجام شود که پتروپالایشگاهها در ذیل صنعت نفت و زنجیره صنایع پایین‌دستی صنعت فولاد، نمونه‌هایی از این موضوع هستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید مجدد بر لزوم تهیه و تصویب سند و نقشه راهبردی صنعتی کشور، گفتند: وجود این سند مهم و قانونی موجب جلوگیری از انحراف برنامه‌های صنعتی کشور با رفت و آمد و تغییر دولتها خواهد شد.

رهبر انقلاب با تشکر مجدد از همه دست‌اندرکاران تولید، مسئولان را به رفع موانع در این زمینه فراخواندند و افزودند: مسئولان دولتی حقیقتاً در حال تلاش هستند و باید این تلاش را به‌گونه‌ای ادامه دهند که آثار آن بعد از مدت نه چندان طولانی، در زندگی مردم محسوس شود.

ریشه در همین مسائل و واقعیات دارد. عامل اصلی این مشکلات، صرف تحریم نیست بلکه تصمیم‌گیری‌های غلط یا کم‌کاری‌ها، باعث بخش مهمی از مشکلات بوده است.

ایشان با اشاره به اهمیت و استفاده حداکثری ایشان از مشاوره‌های متخصصان و کارشناسان، گفتند همه مسئولان با بهره‌گیری از دیدگاه‌های صاحب‌نظران برای اجرای کامل توصیه‌های قبلاً بیان شده، همت کنند که هدایت، نظارت و حمایت از تولید به جای دخالت دولت، بهبود محیط کسب و کار، انضباط مالی، رفع موانع تولید، آسان‌سازی اخذ مجوز فعالیت‌ها، ایجاد پنجره واحد صدور مجوز، سیاست‌های تشویقی برای فعالیت‌های مولد، دانش‌بنیان کردن زنجیره تولید، مبارزه با فساد، حمایت از صنایع داخلی و مبارزه قاطع و بی‌رحمانه با قاچاق از جمله این توصیه‌ها است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نمونه، مشکل صدور بخشنامه‌های متعدد را مثال زدند و گفتند: از سال ۹۷ تا ۱۴۰۰، هزار و پانصد بخشنامه فقط درباره مسائل گمرکی صادر شده است فعالان اقتصادی به کدام یک عمل کنند؟ اصلاً فرصت هست همه را بخوانند؟

ایشان سپس لزوم ارتقای کیفیت کالاهای تولید داخلی را مورد تأکید قرار دادند و افزودند: حمایت‌های عملی و تبلیغاتی از تولید داخلی باید منجر به ارتقای کیفیت محصولات و همچنین ارتقای فناوری شود اما متأسفانه در برخی صنایع به‌ویژه در صنعت خودرو به موضوع کیفیت توجه نمی‌شود و مردم نیز بحق به آنها اعتراض دارند.

رهبر انقلاب خاطرنشان کردند: اگر با وجود فضای حمایتی از تولید داخل، به جای ارتقای کیفیت، قیمت‌ها افزایش یابد،

چند ماهه را زمینه‌ای برای تحقق مقاصد سیاسی شوم می‌دانستند اما پس از ده سال، سنگر تولید و اقتصاد کشور بحمدالله پایرجا است که تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی به‌عنوان افسران و کارگران به‌عنوان رزمندگان این جهاد مقدس، شریک و عامل اصلی این افتخار هستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: همانگونه که سال گذشته اعلام شد اقتصاد کشور برای عبور از مشکلات و آسیب‌زدیدن در مقابل تکانه‌های داخلی و خارجی، نیازمند جهش تولید است زیرا جهش تولید با بهبود شاخص‌های اقتصادی همچون اشتغال پایدار، رونق صادرات، درآمد ارزی و کاهش نرخ تورم را به دنبال دارد و استقلال اقتصادی را که ضامن عزت و امنیت ملی و افزایش اعتماد به‌نفس ملی است، به دنبال می‌آورد.

رهبر انقلاب با یادآوری سخنان همه صاحب‌نظران داخلی و خارجی درباره ظرفیت‌های فراوان و امکانات گسترده ایران گفتند: اگر مدیران کارآمد، پرتلاش و دلسوز از این ظرفیت‌ها استفاده صحیح کنند، بقیه‌تاً وضع چندین برابر متفاوت خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تکرار تأکید همیشگی‌شان مبنی بر پرهیز از شرطی کردن اقتصاد کشور و متوقف ماندن فعالیت‌ها به مسائل که اختیاریش در دست خودمان نیست، افزودند: در همین مدت ده سال نیز، بنگاهها و تولیدکنندگانی بوده‌اند که منتظر برداشتن تحریم و نتایج مذاکرات نماندند و با کار و تلاش، به نمونه‌های موفق تبدیل شدند.

ایشان البته آمارهای کلان اقتصادی دهه ۹۰ را حقاً و انصافاً ناخرسند کننده خواندند و با اشاره به آثار اینگونه مسائل در زندگی مردم گفتند: آمار و میزان «رشد تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه در کشور، تورم، رشد نقدینگی، مسکن، تأمین ماشین‌آلات و مسائل مشابه»، اصلاً خرسند کننده نیست و ضربه به معیشت مردم که مدام از آن ابراز نگرانی می‌کنیم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی روز یکشنبه در دیدار جمعی از تولیدکنندگان و فعالان صنعتی، کارآفرینان و فعالان اقتصادی را افسران، و کارگران را رزمندگان با اخلاص و با صفای دفاع مقدس در مقابل جنگ اقتصادی با آمریکا خواندند و با اشاره به سخنان صریح مسئولان آمریکا درباره شکست خفت‌بار آنها در این نبرد سنگین افزودند: مسئولان پرتلاش با «ایجاد سند نقشه راهبردی صنعتی» و «مدیریت، هدایت، نظارت و حمایت از تولید» مسیر کاهش

و رفع آسیب‌ها و «شتاب گرفتن تولید، اشتغال و پیشرفت کشور» را با تلاش بیشتر ادامه دهند تا آثار این روند در زندگی مردم نمایان شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، توجه مسئولان دولتی را به نکاتی که تولیدکنندگان و صنعتگران در دیدار امروز بیان کردند ضروری دانستند و با تأکید بر اینکه اطلاع مردم از موفقیت‌های فعالان اقتصادی از زبان خود این افراد، برای مقابله با جنگ روانی دشمن مفید است، گفتند: البته اگر در این ۱۰ سال مسئولان با تولیدکنندگان همراهی بیشتری می‌کردند، آسیب‌ها کمتر، و موفقیت‌ها بیشتر می‌شد.

رهبر انقلاب، تولید را «جهاد» خواندند و افزودند: ایستادگی تولیدکنندگان در مقابل حمله به اقتصاد و تلاش دشمن برای ممانعت از فروش نفت و گاز، قطع منابع ارزی و برنامه‌ریزی برای مسدودسازی مبادلات خارجی ایران، در واقع جهاد و از بزرگترین عبادت‌ها است.

ایشان با تأکید بر اینکه طراحی‌های دشمن برای فتح سنگر تولید با شکست مواجه شد، خاطرنشان کردند: در این تهاجم به اقتصاد کشور، در معیشت مردم مشکلاتی به‌وجود آمد اما تولید به زانو درنیامد و سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا چند روز پیش صراحتاً اعلام کرد که سیاست فشار حداکثری به شکست خفت‌بار آمریکا منجر شد.

رهبر انقلاب گفتند: آنها فروپاشی اقتصادی به خیال خودشان



البرز

زنان حاشیه‌نشین شهر پر حاشیه؛

نقشه راه زنان البرز در بیراهه‌ها

طبقات پایین تر همگی بر وضعیت نابسامان حوزه زنان و خانواده دامن زده است. در سخنرانی‌های خود دم از الگوی سوم زنان می‌زنند در حالی که هنوز شاخصه‌های الگوی اول زنان را نمی‌شناسند آن وقت چطور می‌توانند به الگوی سوم بیان‌بیشند! در برنامه‌های تکریم جایگاه والای زنان جامعه از کودکان و نوجوانان! بعنوان مجری و میدان‌دار برنامه استفاده می‌کنند، چطور می‌توان انتظار داشت که نگاه‌های بسته در حوزه زنان به اقدامات اجرایی و راهکارهای کلیدی در حل مشکلات زنان شهر منتج شود؟

با وجود ابلاغیه‌های متعدد از نهادهای بالادستی هنوز زنان شاغل در دستگاه‌های استان البرز از حق نگهداری فرزندان زیر ۶ سال خود در محل کار برخوردار نیستند و فرزندانشان بلا تکلیف در گوشه و کنار میز ادارات مادرانشان حضور دارند و حق تاسیس مهدها در ادارات را پیگیری نمی‌کنند چه انتظاری برای کار اجرایی قشرهای دیگر جامعه وجود دارد؟

گزارشی از اقدامات اجرایی در حوزه مسائل اجتماعی زنان و خانواده در طول ۵ سال گذشته که به تغییر آمارهای طلاق و بزه‌های اجتماعی منتج شده باشد، ارائه دهند تا حضور ویتیرینی‌شان مشخص گردد. در سال‌های متوالی درصد رشد میزان طلاق و قرار گرفتن استان البرز در جایگاه اول طلاق در کشور گویای انفعال چندساله برنامه ریزان و مدیران حوزه بانوان و خانواده در این استان است.

البته متولی امور زنان در پنج سال گذشته به پاس خدماتی که انجام نداده اند ردیف استخدامی در دولت قبل از سهمیه استان گرفته اند که این نوع خدمت به خود هم می‌تواند به نوعی خدمت برای زنان مهاجر و انجام امور زنان باشد.

که گویا جایگاه اداری حوزه امور بانوان برای خالی نبودن عریضه ایجاد شده است.

حوزه امور بانوان و خانواده استانداری، ویتیرینی گشته برای برگزاری جلسات و دوره‌هایی با عناوین آموزشی، جمعیت شناسایی و زنگ انشای قرارت گزارش عملکرد! چگونه دوره‌های جمعیت‌شناسی برگزار می‌کنند، اما آمار دقیقی از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست استان ندارند؟

استاندار تازه جلوس کرده البرز، توجه کند که این حوزه نیازمند توجه خاص برای ایجاد بسترها و زیرساخت هاست. هنوز در استان البرز، خانه پیگیری امور زنان و خانواده وجود ندارد و زنان استان نمی‌دانند باید برای رفع مشکلات خود جز بهزیستی و کمیته امداد که با شرایط خاص مددجو می‌پذیرد به کجا رجوع کنند. فرهنگسراهای شهر رو به تعطیلی است اما توانی برای مدیریت این ظرفیت و جمع آوری زنان زیر سقفی واحد وجود ندارد. در شهرهای اقماری وضعیت آلونک‌نشینان اسفناک تر است.

فقدان مشخصات وضعیت و اطلاعات آماری از جمعیت زنان سرپرست خانوار، عدم تدوین برنامه‌های راهبردی در حوزه اجتماعی زنان و خانواده و تعطیلی امور فرهنگی زنان در استان البرز، فقدان روحیه همگرایی و کار تیمی از راس مدیریت تا

کیلومتری که از سن و سال آن‌ها درازتر است، البته که برای زنان سرپرست خانوار استان البرز نان شب نمی‌شود. دستفروشی زنان در روزهای سرد زمستان در پیاده‌روهای شهر، کارتن‌خوابی، تکدی‌گری و... نمایی از چهره سرخ زنان البرز است. فقدان نقشه راه، ناتوانی در سیاست‌گذاری، انفعال متولیان حوزه زنان در بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی بخصوص در رابطه با زنان سرپرست خانوار آینده‌ای مبهم و تاریک را فراروی جامعه زنان البرز قرار داده است.

اجرای طرح‌های بدون مطالعات راهبردی، همچون راهاندازی بازارچه‌های فروش، تسکین موقت درد اجتماعی زنان شاید باشد، اما درمان درد زنان آسیب دیده اجتماعی برنامه‌هایی فراتر از برپایی بازارچه‌های فروش را می‌طلبد. ناگفته نماند که حتی اقدامات اساسی برای شناسایی کامل و طبقه‌بندی آماری و جمع‌بندی اطلاعات جزئی از جامعه زنان آسیب‌دیده در این استان تاکنون صورت نگرفته است.

در حالیکه برنامه‌های توانبخشی و توانمندسازی، طرح‌های حمایتی و خودتاکایی می‌تواند این قشر از زنان استان را وارد بازار کار و فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی نماید، اما خلاء برنامه و انفعال مرموز در این حوزه در طول ۵ سال اخیر بنده و ماهیت حوزه زنان و خانواده را همچون موربانه‌ای نابود کرده



هفته گذشته به مناسبت میلاد حضرت فاطمه سلام‌الله علیها و روز زن «هفته‌ی تکریم جایگاه زنان» نامگذاری شده بود، به این بهانه مروری بر وضعیت حوزه زنان و خانواده در استان البرز داریم، استانی که جامعه‌های گسترده از خیل مهاجران با تجربه‌های متفاوت از آسیب‌های اجتماعی است که به امید رهایی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی، البرز را برای اسکان خود انتخاب کرده‌اند. البته جمعیت زنان و دخترانی که بواسطه همسران و پدران زندانی خود حاشیه‌نشین این شهر پر حاشیه هستند قابل اغماض نیست.

زنان نیمی از جمعیت استان البرز را تشکیل می‌دهند که بخش عمده‌ای از این قشر جامعه زنان آسیب‌دیده، مطلقه، بدسرپرست و خانواده زندانیان است که با انواع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و معیشتی هستند. هیچ نقشه راه مشخصی برای سامان دادن این قشر در استان البرز و در مجاورت پایتخت وجود ندارد. البته تاکنون آمار مشخص و تفکیکی از زنان در استان البرز وجود ندارد و مدعیان این حوزه نتوانسته‌اند برای نیمی از افراد جامعه استان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند. تشکیل شوراهای مشورتی نمایشی و جلسات صرفاً جلسه که خروجی آن فقط ارائه گزارش است بیانگر اقدامات صورت نگرفته در ۵ سال اخیر و گویای ناتوانی متولیان اجرایی یا فقدان برنامه در ساماندهی وضعیت این قشر از جامعه است. البته این کم‌کاری‌ها به مثابه خیانت در حق زنانی است که بدن‌بال تحقق مطالبات خود اندر خم یک کوچه‌اند.

ساختن و پرداختن عنوان‌های پر تمطراق برای خود و رزومه‌های



مردانی عضو کمیته علمی کشوری مقابله با کرونا ضمن اشاره به وضعیت این بیماری در کشور، در عین حال درباره تست‌های تشخیصی این سویه تاکید کرد: منفی کاذب در تست‌های تشخیصی کرونا با سویه امیکرون حدود ۵۰ درصد است؛ به همین دلیل ما می‌گوییم همه بیماران که علائم سرماخوردگی دارند مبتلا به امیکرون هستند؛ مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

یادداشت سردبیر

اندر حکایت «انصراف» مصادره‌شده آقای فیلم‌ساز:

در «او» سواری خسته می‌تازد...



مهدی تیموری
سردبیر

دست‌وپاشدن فرصت(های) شغلی و مالی بسیارند(بله)؛ دقیقا همان اسامی‌ای که توی ذهنتان می‌چرخد... خودشان‌اند. برای اینان، نوع و کیفیت و اندازهٔ پاچه مهم نیست؛ چرا که فقط «خاراندن» می‌ماند و بس. دوم، آن‌هایی که بواسطهٔ تأمین مالی و اعتباری‌شان در شغل اصلی‌شان (خواه طبابت باشد، خواه کارچاق‌کنی!)، با نگاه طفیلی‌وار به سینما و ادبیات نوشتاری‌اش، صرفاً «حضورشان» را غنیمت و مبارک اهالی سینما می‌دانند. این‌ها، همان‌هایی‌اند که غم‌ری را با بی‌مایگی حاصل از انحصارطلبی خویش و پاتال‌های پیرامونشان گذرانده و همواره جز اینکه با روی خرخرهٔ نسل جوان‌تر و سایر فعالان ادبیات نوشتاری سینمای مملکت بگذرانند، آوردهٔ دیگری نداشته‌اند. عزیزان من! باور بفرمایید که برقراری کوچکترین نسبتی میان امثال این شکم‌سیرها با مقولهٔ «نقد»، «منتقدی» و «سینما» در خوش‌بینانه‌ترین حالت، ناشی از عدم اطلاع ما نسبت به مدیوم نقد در ساحت سینماست.

نه همچون مهرجویی، بواسطهٔ پشتوانهٔ تحصیلات فلسفی در آمریکا، و نه مانند بیضایی و تقوایی و دیگر هم‌تایان اینچنینی‌اش، ریشه در ادبیات داستانی، نمایش‌نامه و بطور کلی، «مکتوبات» ادبی-تئاتری داشت. «سینما» را از روی پرده و «جرات» رو از پرسنه‌زنی آموخته بود.

پس از نیم‌قرن‌واندی، تلاقی با کارنامهٔ بلندبالای «مسعود کیمیایی» مشتقی دوچندان دارد و معادلات را پیچیده‌تر از پیش می‌کند؛ چرا که ما با فیلم‌سازی «کاملاً غریزی-شهودی» طرفیم که برخلاف عدهٔ دیگری

دلیل اصلی نگارش این پست، رجعت به حواشی چند روز گذشته پیرامون تصمیم فیلم‌ساز مؤلف

سینمای ایران پیرامون انصرافش از حضور در چهارمین جشنوارهٔ فیلم فجر و نتیجتاً، خوانش و نسبت‌بندی به پدیده‌های پیرامون آن است. در یک اقدام قابل پیش‌بینی، «مسعود کیمیایی» از حضور شخصی و قضاوت ثمره‌اش به‌عنوان «کارگردان» در جشنوارهٔ فیلم فجر انصراف داد. خبری که برای دوستان، نزدیکان و حتی کسانی که اندکی سانسازی از او دارند، چندان غیرمنتظره و شگفت‌انگیز نبود.

بگذاریم و بگذریم...

دلیل اصلی نگارش این پست، رجعت به حواشی چند روز گذشته پیرامون تصمیم فیلم‌ساز مؤلف سینمای ایران پیرامون انصرافش از حضور در چهارمین جشنوارهٔ فیلم فجر و نتیجتاً، خوانش و نسبت‌بندی به پدیده‌های پیرامون آن است. در یک اقدام قابل پیش‌بینی، «مسعود کیمیایی» از حضور شخصی و قضاوت ثمره‌اش به‌عنوان «کارگردان» در جشنوارهٔ فیلم فجر انصراف داد. خبری که برای دوستان، نزدیکان و حتی کسانی که اندکی شناخت از او دارند، چندان غیرمنتظره و شگفت‌انگیز نبود. ولیکن، چند مورد باعث به حاشیه‌رانده‌شدن مسئلهٔ اصلی فیلم‌ساز در این انصراف از پیش‌تعیین و تصمیم‌گرفته‌شده که با «درد سرزمین کهن» ایران، درود به مردم قدرندیده و هنرمندان» می‌آغازد، شد. از جمله:

۱. نخست، «مسعود نقاش‌زاده»-حزیر جشنوارهٔ فیلم فجر-

با معرفی هیأت داوران و حضور «شهاب حسینی» در میان آنان، به‌نوعی آغازگر احتمالی تنش‌های موجود لقب خواهد گرفت (خصوصاً وقتی از گوشه‌وکنار خبر برسد که حضور او تحمیلی و بصورت جایگزینی «مهدتاب کرامتی» در واپسین لحظات رخ داده).

۲. در وهلهٔ بعدی، «پولاد»

فرزند مسعود کیمیایی و

گیتی پاشایی(چیزی که

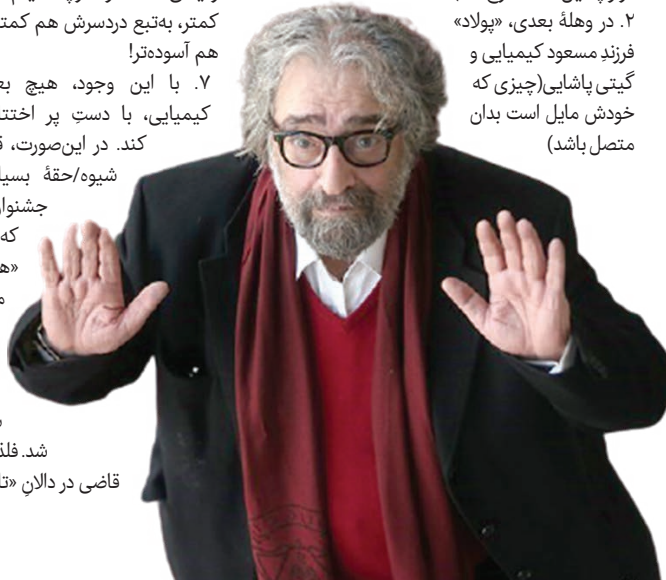
خودش مایل است بدان

متصل باشد)

در چه چیزی باید جست‌وجو کرد؟ پاسخ: خیلی چیزها! ۵. یقیناً نخستین اشتباه محاسباتی در تقلیل‌داده‌شدن ایدهٔ «انصراف» از حضور کیمیایی و مقولهٔ «عدم میل به اعتباربخشی به جشنوارهٔ فجر» به «ماهیت حضور حسینی در هیأت داوران» را بر گردن شخص «پولاد کیمیایی» می‌دانم. ما که می‌دانستیم کیمیایی پدر از ابتدا قصد دارد چنین کند؛ دیگر چه نیازی به این گل‌به‌خودی، آن‌هم پیش از نامهٔ رسمی «خالق فیلم خائن‌کشی» وجود داشت؟! ۶. تردیدی ندارم که حضور «شهاب حسینی» در هیأت داوران، آن‌هم در لیستی که چهره‌ترین، سلب‌ترین است، تماماً بی‌معنا و منظور - به‌جهت دوری فیلم کیمیایی- صورت‌نگرفته. در این حالت، دو فرض احتمالی وجود دارد: نخست، هدف اصلی جشنواره در راستای تقویت شکاف شکل‌گرفته و تقسیم‌بندی واضح میان «خودی‌های قاضی» و «غیرخودی‌های قضاوت‌شونده» بوده. سپس، میل جشنواره به عدم حضور کیمیایی در کاخ جشنواره و طبعاً، نشست مطبوعاتی فیلم «خائن‌کشی»؛ به‌هرحال، اولین جشنواره از دولت رئیسی است و هرچه فیلم و فیلم‌سازهای مهم‌تر کمتر، به‌تبع دردرس هم کمتر و نتیجتاً، برگزاری‌اش هم آسوده‌تر!

۷. با این وجود، هیچ بعید نیست که فیلم کیمیایی، با دست پر اختتامیهٔ جشنواره را ترک کند. در این صورت، قرار است که ما با یک شیوه/حقیقهٔ بسیار سنتی و دمه‌د، با جشنواره‌ای «دموکراتیک» که تمرکزش صرفاً بر «هنر» و «سینما»ست مواجه شویم!

قصه، مارتین نمایش فیلم‌ها در کاخ(خانه!) جشنواره از امروز و تا ساعاتی دیگر آغاز خواهد شد. فلذا، «فیلم»ها خود بهترین قاضی در دالان «تاریخ» خواهند بودند...



نخود هر آش!

حکایت سوءاستفاده از یک نام؛

خودرو ساز یا خود رو ساز...

در گذار از دوره پیشین به دوره نو، سنگی تمام انرژی بشر آن روز به تأمین غذا از گیاهان و بدست گرفتن کنترل گیاهان خودروبرای کشتی‌ها و تأمین قوت لا یموت از زمین معطوف شد؛ و این شد که نخستین انقلاب بشر را انقلاب کشاورزی نام نهادند. عجب عصری بود عصر کشاورزی با گاو و گاوآهن دل زمین را شکافتیدند و بنز پاشیدند و آبی‌دند تا محصول حاصل شد. محصول را بر ابراهه سوار و سپس با اسب و استر و الاغ بر بند و پخش کردند و خوردند. بنا به جبر و جغرافیای زمانه و صد البته امکانات محدود عصر کشاورزی، انتقال محصولات از ولایتی به ولایت دیگر یا با سختی و صعوبت همراه بود یا گاهی غیرممکن به نظر می‌آمد و صد البته که سفر با اسب و شتر و کالسکه برای سفر آبیانه بشر کاری سخت و طاقت‌فرسا محسوب می‌شد.



روح الله ناکحلیلی
نویسنده

این شد که در گام بعدی یعنی انقلاب صنعتی آتش و بخار و بنزین و گرانیل به کار آمدندی تا هم کشت محصولات کشاورزی آسان شود و هم جابجایی آن‌ها و صد البته که در این عصر با اختراع لocomotiv و بخار و خودرو عصر سفر و دورتور کردن در شهر آغاز شد. کارخانه‌ها درست شدند تا اولین کالسکه‌های خود کشش تولید و به مردم عرضه شوند. به مرور به این کالسکه‌های خود کشش لقب اتومبیل اعطاء شد. کارخانه‌های اتومبیل‌سازی در رقابتی بی‌پایان و با بهره‌گیری از علم روز زمان خود هر روز با مدل جدیدی از خودروها با امکاناتی عجیب و غریب ملتی را نمک‌گیر و شگفت‌زده نمودند، از ابداع اولین برف پاک گرفته تا ابداع کمربند ایمنی یا اختراع ترمز ضد قفل و از همه مهمتر اختراع کیسه هوا، همه و همه به کار آمدندی تا بشر راحت، ایمن و بدون دغدغه در خودرو بنشیند و علاوه بر دورتور در سطح شهر از شهری به شهر دیگری سفر نماید. همین تجربه سازنده با تاخیری چندده‌ساله به ساختار اعجاب‌انگیز صنعت کشور ما، یعنی ایران وارد می‌شد. از میانه‌های چهارمین دهه‌مقرن سیزدهم بعد از هجرت، اتومبیل‌سازی که از این پس عنوان خود رو سازی را به آن اعطای می‌نماییم وارد کشور شد و هم‌اکنون قریب به شش دهه از تولید اولین خودروها در کشور می‌گذرد. البته تولید که نه مونتاژ خودرو، بعد از گذشت قریب به شش دهه با تولید ملی خودروهای پرازی کیفیتی شاخمانه خودروهای داخلی چنان سروده شدند که هر بیننده تیزبینی را کور و هر رهروی پرتوانی را به فلج نخاعی و ضربات مغزی هولناک و بی‌بازگشت نزدیک همی نموده است. سازمان ملی استاندارد را و وظیفه‌های قراربند برای تدوین استانداردهای اجباری خودرو، چه استانداردها که به کتابت در نیامد و چه فشارها که برای خودداری از اجرای استانداردها توسط خودروسازها به ملت وارد نشد. تا اینکه یک کیسه هوا چندر گاز تومانی را به چند میلیون تومان به ملت فروختند! این کیسه‌های هوا که بنا به فرض خلف از این پس آن‌ها را کیسه فاقد هوا می‌نامیم تحت هیچ شرایطی از هوا پر نمی‌شوند. در اصل با استفاده از قانون شصتم نبوتون در خود رو سازی داخلی لازم است در معادله شدت تصادف، زاویه برخورد خود روی ایرانی با زاویه مرکز ثقل حس گراصلی کیسه فاقد هوا تماس شود تا این عدد تقسیم بر شتاب منفی ترمز ضرب در شدت ضربه بر اثر پروانه‌ای که در همان نزدیکی بال بال می‌زند منطبق باشد تا در نهایت کیسه فاقد هوا حاضر و ناظر بر سیستم خود رو های داخلی در هر موقعیت، اقلیم و صد البته هر نوع تصادفی همچنان فاقد هوا باقی بماند. و این همان حلقه گم‌شده علم نوین خود رو سازی در تجربیات اخیر خودروسازان نامی جهان است به گونه‌ای که اخیراً سفرها و ملازمتی را به دیار خود رو سازان داخلی ما گسیل داشته‌اند تا با مطالعه دانش خود رو سازان ما در تولید کیسه‌های فاقد هوا به تولید خودروهای بدون چرخ و موتور و شاسی رهنمون همی آیند. باور بفرمایید یا نفرمائید توانایی تاریخی بشر در کشت گیاهان خود رو و بدست گرفتن کنترل رشد و ثمردهی آن‌ها در عصر کشاورزی و صنعت بسیار فراتر از قدرت خودروسازان داخلی در بهره‌گیری از تجربیات چند دهه قبل شرکت‌های خودروساز خارجی در تولید کیسه هوا خودروها برای حفاظت از جان سرشنیشان است، وقتی ایشان قادر نیستند برای هوادار کردن کیسه های هوا تدبیری منطقی به سرزمین عقل و خرد وارد نمایند، حیف است که از نام خودرو ساز سوءاستفاده فرمایند. همان بهتر که به آنها بگویم خود رو سازان زیرا همانند دشت‌های پر از سبزه یا جنگل پر از درخت دوره پیشین، بشر یا علم بشر هیچ تأثیری در رویش گیاهان خود رو ندارد. خودروهای خودروسازان داخلی خودرو نیستند خودرو هستند.



امر به ورزش، امر به معروف است.

گزارش

علی‌رغم افتتاح مجموعه ورزشی کوثر ملک‌شهر:

اصفهان فاقد ورزشگاه مختص بانوان است!

افزافه کرد: در جلسه‌ای که با مسئولان شهرداری داشتیم، اعتقاد داشتند که با این شرایط فعالیت ورزشی در این اماکن آسیب‌زا است، اما اگر مناسب‌سازی شود می‌توان در زمینه ورزش همگانی و نشاط اجتماعی از آنها استفاده بهینه کرد.

رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای شهر اصفهان نیز گفته است: مراکز تفریحی و باغ‌های بانوان اصفهان نیاز به بازنگری مجدد دارند تا بتوانیم گام‌های ویژه‌ای در زمینه فرهنگی، تفریحی و ورزشی برای بانوان، با حفظ شئون اسلامی برداریم.

حجت‌الاسلام «منوچهر مهری‌پور» اظهار کرده است: از دیرباز مراکز تحت عنوان، تفریحی و باغ‌های بانوان در اصفهان داشته‌ایم که امروز نیاز به بازنگری مجدد دارد تا بتوانیم گام‌های ویژه‌ای برای بانوان در زمینه‌های فرهنگی، تفریحی و ورزشی با حفظ شئون اسلامی برداریم و شاهد اتفاقات خوبی در شهر اصفهان باشیم. شهر اصفهان برای جمعیت بیش از ۲ میلیون نفر پیش‌بینی نشده بود، به همین دلیل با افزایش جمعیت در سرانه‌های مختلف، همچون سرانه‌های فرهنگی دچار چالش می‌شویم.

معاون توسعه ورزش بانوان با این اشاره که برنامه‌های ویژه ورزش بانوان در راه است گفت: معاون ورزشی تفریحی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان نیز با اشاره به اینکه اصفهان در بسیاری از رشته‌های ورزشی خاستگاه یا قطب آن رشته در کشور است، توجه به زیرساخت‌های مورد نیاز ورزش بانوان را مهم می‌خواند و معتقد است، برای هدایت و جذب شهروندان به ورزش و وارد کردن این مقوله به سبد خانواده‌ها که از مسیر بانوان امکان‌پذیرتر است باید شهرداری و اداره کل ورزش و جوانان در کنار هم قرار بگیرند تا بتوان استفاده حداکثری از آنها را داشت.

احسان بعیدی معاون ورزشی تفریحی سازمان فرهنگی، اجتماعی و تفریحی شهرداری اصفهان اظهار داشته است: در برنامه‌های سال ۱۴۰۰ اقدامات و برنامه‌های بسیار ویژه‌ای در بخش سلامت شهروندان به ویژه بانوان تدوین کرده‌ایم و با جدیت مطالبه‌گر این موضوع خواهیم بود، چرا که سلامت بانوان و پرداختن آنها به ورزش، تضمین‌کننده سلامت خانواده‌ها و شهروندان است.

وی تصریح نمود: با فعالیت‌هایی که مسئولان ورزشی و شهری استان و شهر اصفهان دارند می‌توان امیدوار بود که در آینده شاهد اتفاقات خوبی در حوزه سرانه اختصاصی ورزش بانوان باشیم تا آنها به دور از محدودیت‌ها و دغدغه‌ها بتوانند با آرامش در هر ساعتی از روز به فعالیت ورزشی مورد علاقه خود بپردازند.

کمک خیران ورزشی استان می‌توانیم با احداث مجموعه فرهنگی ورزشی چند منظوره مختص بانوان، مشکل فضای ورزشی مورد نیاز بانوان را حل کنیم. این طرح را به مجمع خیران ورزشی ارائه داده‌ایم که در صورت تصویب در مجمع و اجرایی شدن آن، دغدغه بانوان را در این زمینه کاهش خواهد داد. این طرح البته بلند مدت است و برای نسل‌های آینده کمک خواهد کرد.

وی افزود: در سال‌های گذشته نیز اقداماتی در این زمینه انجام شده بود، اما به دلیل اینکه مصوبه‌ای در این زمینه نداشتیم، ضمانت اجرایی به دنبال نداشت، مجموعه ورزشی کوثر به همین دلیل در اختیار بانوان باقی نماند، اما اگر این طرح به تصویب برسد و مصوبه داشته باشد، می‌توان گام‌های مثبت خوبی در این راستا برداشت که در سفر اخیر معاونت ورزش بانوان وزارت ورزش و جوانان ایران قول پیگیری این مسئله داده شد، اما تا قبل از

آن با توجه به ماده ۸۸ و در اختیار گذاشتن اماکن به بخش خصوصی که در اولویت است، متأسفانه امکان اجرایی کردن این مسئله وجود ندارد.

معاون ورزش بانوان استان اصفهان با اشاره به ظرفیت سازمان‌ها از جمله شهرداری و فضای باغ بانوان که در اختیار آنها است گفت: در تمام جلسات پیگیری استفاده بانوان از اماکن ورزشی ارگان‌ها در ساعات غیراداری هستیم، اما می‌دانیم که برخی از این سازمان‌ها تابع قوانین دولتی هستند که دست و پاگیر می‌باشد! ما روی اماکن ورزشی دانشگاه‌ها نیز حساب باز کردیم، چرا که ظرفیت و فضاهای بسیار خوبی در اختیار دانشگاه‌ها قرار دارند که در ساعات زیادی مورد قرائی می‌گیرند، هرچند آنها نیز تابع مقررات خاصی هستند.

قدوسی خاطرنشان کرد: باغ‌های بانوان در زمان ساخت و تأسیس، بیشتر دیدگاه تفریحی داشتند و فضای استاندارد برای فعالیت ورزشی حتی در حد ورزش همگانی دینظر گرفته نشده که نیاز به بازنگری و کارزبایدی دارد تا مناسب سازی آن‌ها در دستور کار قرار گیرند. وی

ساخت و تجهیز اماکن ورزشی، بویژه برای بانوان بیشتر اقدامات لازم به عمل آید که نیاز به مصوبه برای اختصاصی کردن فضای ورزشی بانوان دارد.

«معاون ورزش بانوان اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان» در گفتگویی این زمینه اظهار داشته است: سرانه ورزشی اصفهان با وجود اینکه به اشتباه از استان‌های برخوردار محسوب می‌شود، بسیار ضعیف و بخشی از آن به دلیل زیرساخت‌هایی هستند که در گذشته به آن بی‌توجهی شده است و این مسئله در بخش بانوان بسیار پررنگ‌تر بوده است.

«نرگس قدوسی» معاون اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان در امور ورزش بانوان- تصریح کرده است: فضاهای ورزشی که در اختیار داریم به‌صورت مشترک بین آقایان و بانوان قابل استفاده قرار می‌گیرد و متأسفانه فضای ورزشی که بتوانیم آن را به‌صورت کامل در اختیار بانوان قرار دهیم، وجود ندارد! برای رفع این

مشکل طرحی را در دوره قبل به وزارت ورزش و جوانان ارائه داده‌ایم و در این دوره نیز با جدیت پیگیری آن هستیم و امیدواریم با حمایت وزارت ورزش و جوانان به تصویب برسد.

خانم قدوسی خاطرنشان کرد: در این طرح درخواست شده در مرکز استان و یا برخی از شهرستان‌ها با توجه به اینکه تعداد قهرمانان و ملی پوشان زیادی زندگی می‌کنند، یکی از فضاهای ورزشی به طور اختصاصی در اختیار بانوان قرار داده شود. وی ادامه داد: اگر این طرح به تصویب برسد می‌توان یکی از فضاهای خوب و یا سالن چند منظوره و همراه بازمین چمن را با ساعات بیشتری در اختیار ورزش بانوان قرار داد. همچنین در جلساتی که با سازمان‌ها داشتیم و در حال رایزنی هستیم، امیدواریم بتوانیم از اماکن و سرانه ورزشی آنها در نیز در ساعاتی که نیاز ندارند، برای بانوان استفاده کنیم.

معاون امور ورزش بانوان اداره کل ورزش و جوانان، با اشاره به احداث مجموعه ورزشی مختص بانوان با کمک خیران گفت: طرح دیگری نیز در دست اجرا داریم و به

اصغر قلندری
نویسنده و روزنامه نگار

در دوران ریاست مهندس هاشمی‌طبا در سازمان تربیت بدنی کشور، مجموعه ورزشی کوثر واقع در ملک‌شهر اصفهان بعنوان ورزشگاه اختصاصی بانوان توسط رئیس سازمان تربیت بدنی ایران افتتاح شد، که باعث خوشحالی گردید، اما دیری نپایید که براحتی آب خوردن این مجموعه ورزشی از تملک بانوان در آورده شد و مورد استفاده آقایان هم قرار گرفت بویژه استخر سرپوشیده که در دو سانس خانم‌ها و بقیه ساعات در اختیار آقایان قرار گرفت!

در سایر سالن‌های کلانشهر اصفهان هم تحت این شرایط و در ساعاتی در اختیار بانوان قرار می‌گرفت که یا کارمند ادارات، بانک‌ها و بخش‌های خصوصی بودند و یا خانه‌دار بودند و عصرها که فرصت استفاده از ورزشگاه‌ها را داشتند، دسترسی به اماکن ورزشی نداشتند و بالاچاره از کلوب‌های بخش خصوصی و با پرداخت هزینه‌های کلان به ورزش مورد علاقه شان می‌پرداختند.

در حال حاضر نیز بیشتر سالن‌های ورزشی البته به غیر برخی از سالن‌های بدنسازی خصوصی بعد از ساعات مشخصی در اختیار ورزش بانوان نیست و آن‌ها اجازه استفاده از آن سالن‌ها را ندارند، بنابراین زنان که نیمی از جمعیت استان اصفهان را به خود اختصاص داده‌اند، امکان انجام فعالیت‌های ورزشی را در ساعاتی که از مشغله‌های روزانه خود فارغ شدند، ندارند.

بیشتر اماکن ورزشی از ساعات اولیه صبح تا بعد از ظهر در اختیار بانوان قرار داده می‌شود، ساعاتی که بیشتر این قشر همانند سایر افراد جامعه درگیر تحصیل، مشغله کاری، خانه‌داری و وظایف مادری هستند، بنابراین نمی‌توانند در طول روز از این اماکن استفاده کنند. در چنین شرایطی و با توجه به ضرورت ورزش برای زنان و تأثیر آن، اختصاص فضایی برای انجام فعالیت‌های ورزش بانوان آن هم در ساعات مختلف روز یک نیاز نبرم محسوب می‌شود.

با نگاهی به اماکن ورزشی که در اختیار اداره کل ورزش و جوانان، شهرداری اصفهان، آموزش و پرورش و سایر ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی استان است، که با وجود سرانه ورزشی بسیار کم نسبت به جمعیت استان که بیش از پنج میلیون نفر جمعیت و حدود ۳۷۵ هزار ورزشکار سازمان یافته دارد، بیانگر آن است که باید در



آگهی فقدان سند مالکیت

آقای احمد رضائی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت شش دانگ آپارتمان مسکونی به مساحت ۱۱۷/۰۷ متر مربع قطعه ۴ تفکیکی به شماره ۱۵۸۳۷ فرعی از ۱۵۵ اصلی مفروز از پلاک ۲۷۵۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج مورد ثبت ۹۹۱۹۳۶ صفحه ۲۶۴ جلد ۳۵۷۶ املاک به نام مالک فوق ثبت و صادر گردیده و به موجب سند رهنی شماره ۱۶۹۵۹ مورخ ۹۰/۵/۱۶ دفترخانه ۱۱۲ کرج در رهن بانک مسکن می‌باشد که به علت سهل انگاری مخدوش گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه طرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۹۶۴ ف

عباسعلی شوش پاشا رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج - از طرف اسماعیل کلانتری

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ولی اله جزائری ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت شش دانگ یکدستگاه آپارتمان به مساحت ۸۸/۱۴ متر مربع قطعه ۵ تفکیکی به شماره ۲۲۱۰ فرعی از ۱۷۰ اصلی مفروز از پلاک ۴۱۷۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج به شماره چاپی ۱۷۹۱۲۵ مورد ثبت صفحه ۱۳۳ دفتر ۱۶۵۲ که به صفحه ۲۱۷ دفتر ۲۹۳/۴ بنام مهری صادق دقیقی صادر شده سپس مع الواسطه برابر سند ۱۳۲۷۱ مورخ ۹۳/۷/۱۴ دفترخانه ۱۸۲ کرج به ولی اله جزائری منتقل گردیده مقفود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه طرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۹۶۲ ف

از طرف سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۳ کرج - الهه عزیزی

حسین شریفی سخنگوی فدراسیون فوتبال اعلام کرد: قرار شده وزیر ورزش درخواست حضور هواداران مقابل امارات را مطرح کند که امیدوارم موافقت شود. در حال حاضر برنامه‌های مختلفی از جمله جشنواره فیلم فجر در فضای بسته برگزار می‌شود و امیدوارم ستاد ملی کرونا این موضوع را ببپذیرد چون مسابقه فوتبال در فضای باز انجام می‌شود.

سوزه

«دبیر کل کمیته ملی المپیک» خبر داد:

انتخابات کمیته ملی المپیک به تعویق افتاد

«کیکاووس سعیدی» دبیرکل کمیته ملی المپیک - روز یکشنبه اعلام کرد که در روز ۱۷ اسفند، تنها مجمع عمومی برگزار می‌شود و خبری از انتخابات نخواهد بود. وی در این باره گفت: طبق مصوبه هیئت اجرایی، آیین‌نامه باید به تأیید مجمع عمومی ۱۷ اسفند ماه برسد و سپس برای کمیته بین‌المللی المپیک ارسال شود. هر زمان IOC دستورالعمل را تأیید کند، انتخابات برگزار می‌شود. هیئت اجرایی تأکید دارد بر اساس اساسنامه کمیته ملی المپیک و در چارچوب قوانین، مسیر را دنبال کند. در اولین فرصت ممکن انتخابات پس از تصویب دستورالعمل و انجام فرایند قانونی آن برگزار خواهد شد. لذا در ۱۷ اسفند مجمع عمومی کمیته را برگزار می‌کنیم، ولی به احتمال قوی مجمع انتخاباتی نخواهد بود. لذا تا قبل از ۱۷ بهمن دستورالعمل مجمع انتخاباتی و مواردی که نیاز به مصوبه مجمع دارد، برای اعضا ارسال خواهد شد. به این ترتیب انتخابات کمیته ملی المپیک رسماً به تعویق افتاد.

از سوی سازمان لیگ فوتسال:

«محمود خوراچی» مربی ماه لیگ برتر فوتسال شد

«محمود خوراچی» دروازه‌بان سالهای نه چندان دور فوتبال و فوتسال ایران - که چند هفته ای است به تیم کراپ الوند پیوسته، با این تیم نتایج درخشانی را کسب کرده است. خوراچی مربی با سابقه فوتسال کشورمان که زمانی سکادار تیم ملی فوتسال ایران و باشگاه های زیادی از لیگ فوتسال ایران بود، حالا با درایتش از تیم کراپ یک مدعی قهرمانی در لیگ برتر فوتسال ساخته است که هفت هفته متوالی همه رقیبانش را در هم کوبیده است. جالب اینجاست که قبل از آمدن خوراچی تیم کراپ در رده ششم جدول لیگ فوتسال قرار داشت و کسی این تیم را مدعی نمی‌دانست، در همین مورد از سوی سازمان لیگ فوتسال و هیئت برگزاری لیگ فوتسال کشور خوراچی مربی ماه لیگ برتر فوتسال انتخاب شد.

دبالوگ

«مفسر و کارشناس کشتی» در گفت‌وگو با «دنیای هوادار» مطرح کرد:

ماتشاهی ابلاغ و پست و مقام نیستیم

می‌توانند کار آنالیزوری تیم ملی را انجام دهند که حداقل سابقه مربیگری در کشتی را داشته باشند، حال پرسش اصلی اینجاست، فردی که در حال حاضر کار آنالیز را انجام می‌دهد، آیا سبکه مربیگری کشتی را هم در کارنامه کاری خود دارد؟ آیا مدیر تیم‌های ملی، شخصاً پذیرای ایشان بوده است؟

وی گفت: یک آنالیزور در سطح تیم ملی، باید حتی در تمرینات هم حضور داشته باشد و در سطح یک فوق مدرس انستیتوی کشتی اشراف فنی داشته باشد، در ضمن نکته مهم جایی است که کشتی‌گیران و کادرفنی تیم ملی هم باید پذیرای نقطه‌نظرات آنالیزور باشند، تا بتواند نقش آن اثرگذار باشد، اما اگر بخوایم بر اساس رفاقت آنالیزور یا مربی بدن سازی انتخاب کنیم، نمی‌توانیم نتایج مطلوبی را بگیریم و اثرات مخربی بجا خواهد گذاشت.

اعتصامی در پایان صحبت‌های خود تصریح کرد: بحث ما شخص نیست، اما کشتی ایران نیازمند افراد کاربلد است، به‌رحال ما افراد بسیاری داریم که از خانواده کشتی هستند و توانایی و قابلیت‌های بالایی دارند و می‌توانند به تیم ملی کمک شایانی بکنند. اگر علیرضا دبیر می‌خواهد در فدراسیون موفق شود، باید در مهره‌چینی نهایت دقت را داشته باشد. از اینکه از ما بعنوان آنالیزور استفاده نشده، دلخور نیستیم و تنها آرزوی موفقیت برای تیم ملی داریم.

آسیابی سال گذشته با رئیس فدراسیون داشتیم، به ایشان اعلام کردم که بدن سازی تیم خوب بوده، اما تمرینات تخصصی تیم به درستی انجام نشده است که البته پس از آن شاهد شکست کشتی‌گیران کشور در المپیک هم بودیم.

وی گفت: ای‌کاش در برنامه‌های تمرینی المپیک، تنها مسائل بدن سازی مورد توجه قرار نمی‌گرفت و تمرینات تخصصی بیشتری به مورد اجرا در می‌آمد، فکر می‌کنم، غلام محمدی حدود یک‌ماه از برنامه‌های تمرینی عقب بود، به عقیده بنده اگر یک‌ماه زودتر تمرینات ویژه المپیک اجرا می‌شد، نتایج مطلوب‌تری در توکیو حاصل می‌شد.

مفسر کشتی ایران تأکید کرد: به هر جهت، ما کیسه‌ای برای کشتی ایران ندوخته‌ایم، هیچ پست و سمتی را هم نمی‌خواهیم، اما اگر حرفی می‌زنیم تنها از سر دلسوزی است. وگرنه ما سالیان مدیدی است که در کشتی

هستیم و تشنه‌ی ابلاغ و پست و مقام نیستیم. اعتصامی تصریح کرد: اما افرادی



احمد دباغ
کارشناس کشتی

«یدالله اعتصامی» مفسر و کارشناس کشتی - در گفت‌وگویی اختصاصی با روزنامه «دنیای هوادار» اظهار داشت: سال گذشته به پیشنهاد آقای محسن کاوه مدیر تیم‌های ملی، بنده به همراه آقایان بهروز یاری و مجید ترکان، ابلاغی از سوی انستیتو دریافت کردیم تا بعنوان آنالیزور تیم‌های ملی فعالیت کنیم، اما متأسفانه پس از آن در هیچ مقطعی از هیچ‌کدام از ما استفاده نشد، گرچه ما هم اعتراضی نداریم و به این تصمیمات احترام می‌گذاریم. وی افزود: به‌رحال فردی که بعنوان آنالیزور در تیم‌های ملی کشتی فعالیت می‌کند، باید معیار و مشخصه‌هایی داشته باشد تا مدیر و سرمربی تیم ملی پذیرای نقطه نظرات او باشند، اما اینکه چه کسی می‌تواند آنالیزور تیم ملی شود، پرسش مهمی است، که مدت‌هاست در جامعه کشتی مطرح بوده است.

این کارشناس کشتی خاطر نشان کرد: یک آنالیزور باید دارای قابلیت‌های فنی، علمی و تخصصی باشد، حتی اشراف کافی به مسائل بدن سازی و برنامه‌ریزی‌های تمرینی هم داشته باشد، کما اینکه در تماشای که پس از مسابقات

بحث ما شخص نیست، اما کشتی ایران نیازمند افراد کاربلد است، به‌رحال ما افراد بسیاری داریم که از خانواده کشتی هستند و توانایی و قابلیت‌های بالایی دارند و می‌توانند به تیم ملی کمک شایانی بکنند. اگر علیرضا دبیر می‌خواهد در فدراسیون موفق شود، باید در مهره‌چینی نهایت دقت را داشته باشد. از اینکه از ما بعنوان آنالیزور استفاده نشده، دلخور نیستیم و تنها آرزوی موفقیت برای تیم ملی داریم.

مستطیل سبز

در فقدان مدیرت:

در خاکِ فوتبالِ ما، «مدیر» نمی‌زُوید



در حد نور شهاب، گذرا و موقتی است. فارغ از اینکه وزیر ورزش پرسپولیسی باشد یا استقلال، مهمترین مطالبه‌ای که یک هوادار می‌تواند از باشگاهش داشته باشد، این است که، یک مدیر حرفه‌ای بر مسند کار بنشیند. اگر تیمی چندسال هم نتیجه نگرفت و یک سال قهرمان شد، نباید هیچکس را به هیچ چیز دلخوش کند. چه بسا اگر مدیری بر سر کار بیاید و بخواهد باشگاه را از نو بکوبد و بسازد و در طول این مسیر چندسال موفقیتی عاید باشگاه نشود، بسیار بهتر و کارآمد تر از حالت اول است.

اتفاقی که برای فوتبال قطر در حال رخ دادن است، شبیه به یک انقلاب است؛ انقلابی که اگر حالا آن را زیر نظر قرار ندهیم، سال‌ها بعد پس از خوردن حسرت‌ها، به فکر الگوبرداری از قطر و سایر تیم‌های حوزه خلیج فارس خواهیم افتاد. البته اگر آن زمان مانند امروز، هنوز خواب نیاشیم.

کادرفنی و درخشش بازیکنان بوده است. حال اینکه مثلا در فینال رقابتی بین‌المللی قهرمان نشدیم یا به مراحل بعدی جام جهانی نرفتیم، تا چه حد می‌توانیم مدیریت را مقصر بدانیم؟ تقریباً ۱۰۰ درصد تقصیرها بر گردن مدیریت غلط ورزشی در کشور ماست و دقیقاً همیشه آن قدم آخری که باید برمی‌داشتیم، چیزی بود که هیچ ارتباطی به کادرفنی و بازیکنان نداشت.

ما در طول این سال‌ها و بعد از مدیریت دادکان و مصطفوی و... در فوتبال کشور، نه هیچ مدیر کاربلدی داشته‌ایم و نه بدنبال این بودیم که مدیران تازه نفسی را به ورزش کشور معرفی کنیم. از میان آن قذیبی‌ها هم که اخیراً دوباره پای‌شان به مدیریت فوتبال باز شد، امثال فتح‌الله‌زاده و انصاریفردها بودند که دیگر نیاز به گفتن ندارد و کارنامه مشعشع‌شان و بدهی‌هایی که پس از آن وعده‌های خوش‌رنگ و لعاب به بار آوردند کاملاً مشخص است. هرچقدر خاک حاصلخیز ورزش کشور توانسته در این سال‌ها استعداد‌های ناب فوتبالیستی را پرورش دهد، در عرصه مدیریت تقریباً هیچ کاشت و برداشتی وجود ندارد و هر سال از رسیدن به یک مدیریت درست ورزشی دور و دورتر میشویم.

مدیریت در هر عرصه‌ای، قطعا پایه‌های موفقیت در آن عرصه به حساب می‌آید. وقتی پایه‌های یک مساله درست کار نکند، هیچ اتفاق مثبتی نمی‌تواند روی آن سوار شود و هر موفقیتی

کرده و تمام آسیا متوجه آن هستند. اما آیا درباره مساله‌ای به این مهمی، یک مصاحبه از مسبان این فاجعه صورت گرفته، تا اصلاً مردم بفهمند تیم‌های محبوبشان برای چه محروم شده‌اند؟ آیا اصلاً یکبار بطور دقیق بررسی شده که مقصر چنین فاجعه‌ای چه کسانی هستند؟

چطور می‌شود از کنار همچین مساله‌ای، به سادگی عبور کرد؟ چرا در چنین شرایطی با وجود اینکه حتی به مدیران فعلی دو باشگاه هم نمی‌توان برای تغییر وضعیت امیدوار بود، هیچ عزم راسخی برای تغییر کادر مدیریتی یا پیدا کردن یک راه‌حل اصولی و حقوقی وجود ندارد؟ چرا چنین ضربه مهلکی به فوتبال درست زمانی اصابت می‌کند که ما در میان نواب روسای AFC یک نماینده داریم و هیچ‌کاری از دست او بر نمی‌آید؟

مساله اینجاست که فارغ از انتقادهای درست و غلطی که به وزارت ورزش در طول این سال‌ها وارد است، ما در کشورمان با معضل بزرگ مدیریتی مواجه هستیم که فوتبال هم از این بیماری بی‌نصیب نمانده است. سال‌هاست که فوتبال، ورزش اول و کانون توجه کشور ماست، در قرن بیست و یکم سه جام جهانی از سر گذرانیدیم و در مراحل بالای جام ملت‌ها و لیگ قهرمانان باشگاه‌های آسیا حاضر بودیم، اما چه میزان از این اتفاقات را مدیون مدیریت درست ورزشی می‌دانیم؟ تقریباً هیچ! چرا که همگی متفق‌القول معتقدیم که اینها دستاورد



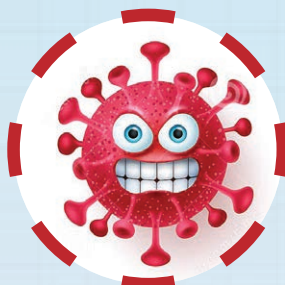
محمدحسین سیفی
نویسنده و خبرنگار

تا همین چندماه پیش که «مسعود سلطانیفر» بر مسند وزارت ورزش و جوانان تکیه زده بود، ماهی یکبار حداقل در خیابان‌های اطراف ساختمان وزارت ورزش و جوانان، شعار «وزیر پرسپولیسی نمی‌خوایم نمی‌خوایم» طنین‌انداز می‌شد. حالا هم که دولت جدید روی کار آمده و «حمید سجادی» پشت میز وزارت ورزش می‌نشیند، سناریو همان سناریوی قبلی است، با این تفاوت که بجای استقلالی‌ها، اینبار این پرسپولیسی‌ها هستند که وزیر ورزش را مورد حمله قرار می‌دهند و تکه کلام «وزیر استقلالی» تبدیل به نُقل بی‌رقیب محافل جماعت پرسپولیسی شده است.

با نگاهی گذرا به تاریخچه این دوگانه، می‌توانیم متوجه شویم که این اتفاق معطوف به سال‌های اخیر نیست و در زمان ریاست جمهوری «محمود احمدی‌نژاد» یا اوایل ریاست جمهوری «حسن روحانی» نیز چنین شائبه‌هایی مطرح بود. اما پرسش اینجاست، بطور کلی چنین تحلیلی برای پیدا کردن مقصر وضعیت این دو باشگاه، تا چه میزان می‌تواند گره‌گشا باشد؟ هنوز هم داغ محرومیت استقلال و پرسپولیس از حضور در لیگ باشگاه‌های آسیا بر سینه هواداران هر دو تیم حس می‌شود و اینکه فوتبال در کشور ما بصورت غیرحرفه‌ای دنبال می‌شود، مقوله مهمی است که حالا ابعاد بین‌المللی نیز پیدا

میزان ماندگاری جهش های کرونا در یک نگاه

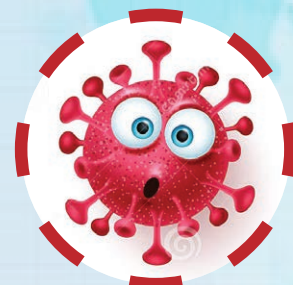
سطح پوست



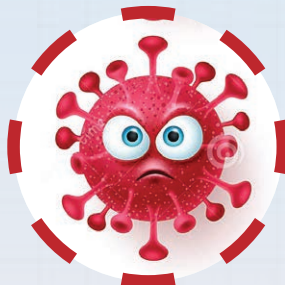
بتا:
۱ تا ۱۹ ساعت



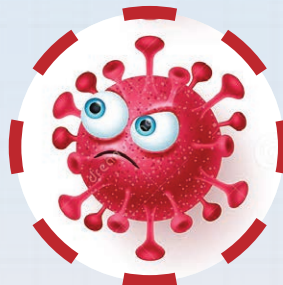
آلفا:
۶ تا ۱۹ ساعت



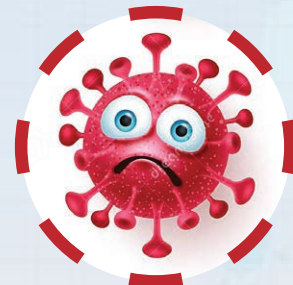
ویروس اولیه:
۶ تا ۸ ساعت



امیکرون:
۱ تا ۲۱ ساعت



دلتا:
۸ تا ۱۶ ساعت



گاما:
۱۱ ساعت

سطح پلاستیک



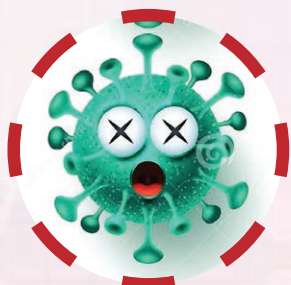
بتا:
۶ تا ۱۵۶ ساعت



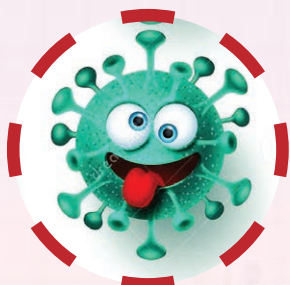
آلفا:
۳ تا ۱۹۱ ساعت



ویروس اولیه:
۵۶ ساعت



امیکرون:
۵ تا ۱۹۳ ساعت



دلتا:
۱۱۴ ساعت



گاما:
۳ تا ۵۹ ساعت

